

## نقش زنان در اقتصاد خانواده

دکتر محمد رضا باقری<sup>۱</sup>

### چکیده

اقتصاد خانواده یکی از مباحث مهم در اقتصاد ملی است. فعالیت زنان خانه دار در خانه، دارای ارزش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فراوانی است و شامل فعالیت‌های مختلفی نیز می‌گردد که اغلب آنان نامشهود، ناشناخته و بدون دستمزد است. این نوع فعالیت‌های مختلف زنان در اقتصاد و ملاحظات ملی مورد توجه قرار نگرفته است. هدف اصلی این مقاله بیان ارزش فعالیت‌های خانگی و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر ارزش افزوده فعالیت‌های مختلف در محیط داخلی خانوار است.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد خانواده، خانه داری زنان، ارزش افزوده، زنان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

«کار» یکی از عوامل خلاقیت بخش و آفریننده محسوب می‌شود که از آن می‌توان در مسیر تکامل معنوی و روحی و روانی بشر استفاده کرد. از اینرو در جهان بینی دینی، ارزش کار صرفاً با موازین مادی سنجیده نمی‌شود و ارزش فرامادی و معنوی کار نیز زمینه ساز سایر ارزش هاست. نقش سازنده، خلاقیت بخش و شکوفا کننده کار و فعالیت برای همه انسان ها، چه زن و چه مرد، مظهر و سر منشأ هویت یافتن انسانی و تکامل بخش اوست. زنان نیز به عنوان اعضای جامعه، با تمسک به کار و تلاش، قادر خواهند بود ضمن ارتقای سطح تکامل فردی و معنوی خویش، در تعالی بخشی زندگی اجتماعی خود نقش موثر و سازنده‌ای ایفا نمایند. از این رو این مقاله سعی دارد به وظایف و فعالیت های زنان در خانه با نگاه علمی تر و متمرکز نظر اندازد و زنان خانه دار را از قبل انجام کارهای خانه، منشاء صدور فعل و ارزش اقتصادی و متعاقب آن، اجتماعی تعریف کند.

## خانواده به مثابه یک نهاد

همچنانکه گفته شد کار نه تنها یک تلاش فردی که جهاد بزرگ اجتماعی تلقی می‌شود؛ چرا که از احساس مسئولیت انسان در قبال سایر افراد و جامعه و محیط اجتماعی خود حکایت می‌نماید. در جهان بینی اسلامی نیز به فعلیت رسیدن نیروهای جسمی، عقلی، رشد و شکوفایی استعداد های فطری و درونی شخصیت انسانی، بسته به کار و تلاش و فعالیت اوست. در این جهان بینی، با اعتقاد به اینکه همه عالم صنع خداوند است و انسان نیز از طریق کار می تواند نوع رابطه خود را با خداوند تعیین کند و در خور پاداش خوب یا بد گردد، بر نقش سازنده و هویت بخش کار تأکید شده است (باقری، ۱۳۸۶، ۸۸).

انگیزه از سانها برای کار با تشکیل خانواده به اوج خود می رسد، چرا که خانواده نهادی فطری و اجتماعی است که بر پایه ازدواج بنا شده است و نوع دوستی و یگانگی زوجین در این نهاد، بهترین فرصت را برای اتحاد و وحدت کاری، اخلاقی و روانی به وجود می آورد و زنان با وجود نقش های اجتماعی متنوع، به ایفای وظیفه مهم خانه داری نیز می پردازند. وظیفه خطیر خانه داری که فعالیت هایی چون نگهداری و تربیت فرزندان، تهیه غذا، خرید وسایل و مواد لازم منزل، شست و شوی ظروف و لباس ها، نظافت منزل و ... را در بر می گیرد، موید همبازی وسیع زنان خانه دار در امر اجتماعی کردن فرزندان و اقتصاد خانواده و کشور است. در این رهگذر برخی زنان با تلاشی مضاعف در غیاب همسران خود که بعضاً "در مأموریت های اداری طولانی مدت

بسر می‌برند، علاوه بر نقش همسری و مادری، اینار گرانه مجبور به ایفای نقش پدری هم برای فرزندان خود می‌باشند.

اقتصاد خانواده یکی از مباحث مهم در اقتصاد ملی است و به سهم خویش، نقش بی‌بدیلی در ارتقای سطح کمی و کیفی اقتصاد در سطح ملی ایفا می‌کند. اگر اقتصاد خانواده را «چگونگی سازماندهی و مدیریت منابع خانه» تعریف کنیم، باید اذعان داشت که اقتصاد خانواده تا حد زیادی مرهون فعالیت‌ها و تلاش‌های زنان در خانه است.

نقش تولیدی زنان اعم از تولید نسل، تولید غذا و پوشاک تا نقش‌های مراقبتی و حمایتی آنان همانند مراقبت از کودک، رشد فرزند، حمایت در برابر بیماریها، آماده‌سازی فرد برای احراز مشاغل و تربیت نیروی انسانی آینده جامعه، از جمله نقش‌هایی است که علاوه بر ابعاد تربیتی و اجتماعی دارای ابعاد اقتصادی نیز هست و از این منظر نیز می‌تواند مطالعه و بررسی شود. از سوی دیگر اساساً معنی اقتصاد را «خانه داری» [تدبیر منزل] دانسته‌اند، چنانکه در زبان یونانی، اقتصاد از دو کلمه (Okios) به معنی «خانه» و (Nomos) به معنی «قانون» تشکیل شده است و امروزه نیز در دانشگاه‌های دنیا، رشته‌هایی تحت عنوان اقتصاد خانه (Home Economics) و اقتصاد خانواده (Family Economics) تدریس می‌کنند (افشاری، ۱۳۸۰، ۲).

امروزه در اکثر ازدواج‌ها بویژه در دنیای غرب، زن و شوهر هر دو شاغلند، در خارج از خانه کار می‌کنند و زمانی را که با یکدیگر و با فرزندان خود کار می‌کنند بسیار محدود است و اشتغال‌های ذهنی بالا و منابع خارجی استرس‌زا نیز به شدت آنان را تحت فشار قرار داده است. با وجود افزایش فعالیت‌های اقتصادی زنان، حتی وقتی آنان به کارمزدی اشتغال دارند، غالب کارهای خانه (از جمله پخت و پز، نظافت و شست و شو) را نیز انجام می‌دهند. غالباً از بعد اقتصادی، انجام فعالیت‌های متنوع زنان در خانه، پنهان و نامحسوس و بدون دستمزد است. به عبارت دیگر، بخش اعظم فعالیت‌هایی که زنان در زمینه نگهداری و تداوم منابع انسانی و مراقبت از کیان خانواده انجام می‌دهند و محل اجرای آن در منزل است، نهفته بوده و در حسابرسی‌ها و آمارگیری‌های ملی به حساب نمی‌آید.

با این حال طی دو دهه اخیر، موضوع چگونگی محاسبه ارزش کار خانگی زنان و سهم آن در تولید، از مسائل مورد بحث محافل اجتماعی و اقتصادی جهان بوده است. در نظام فعلی حساب‌های ملی، فقط ارزش کار و تولید آن تعداد از زنان که اشتغال آشکار دارند و در مقابل خدماتی که معمولاً در خارج از خانه انجام می‌دهند، مزد و حقوق نقدی دریافت می‌دارند، محاسبه می‌شود و کار زنان در منزل (وظیفه خانه داری) که خود نوعی از تولید خدمت است، در محاسبات

اقتصادی غالب کشورها جایی ندارد. این در حالی است که بیش از ۲۵ درصد جمعیت ایران و بیش از ۵۰ درصد جمعیت زنان ایران، خانه دار هستند (بانک مرکزی، ۱۳۸۵).

زنان خانه دار نیز همانند همسران و سایر اعضای خانواده، بخشی از بار خانواده را بر دوش می‌کشند و به تعبیری تولیدکننده به حساب می‌آیند. بسیاری از آنان با وجود تحصیلات مناسب، به دلایل فرهنگی، اجتماعی و گاهی اقتصادی، کار در خانه را به کار در بازار ترجیح داده‌اند. در کنار این گروه از زنان، زنان شاغلی نیز هستند که هم در بازار و هم در منزل به کار مشغولند، اما بخشی از کار زنان شاغل و همه کار زنان خانه دار، از دید اقتصاددانان پنهان مانده است و در حساب‌های ملی منظور نمی‌شود.

هر چند برآورد کل فعالیت‌های خانگی بسیار مشکل است، ولی غیرممکن نیست و انجام این برآورد می‌تواند کمک موثری برای مقایسه درآمد ملی واقعی باشد. با وجود تفاوت در میزان کارهای انجام شده در منزل در کشورهای مختلف؛ لیکن نقش زنان در منزل آنچنان گسترده است که امکان محاسبه و ارزش‌گذاری تمامی آن مشکل و گاه غیرممکن است؛ برآستی چگونه می‌توان فداکاری مادری که تمام شب چشم بر هم نمی‌گذارد و از فرزند بیمار خود پرستاری می‌کند را به پول تبدیل کرد و یا دامن پر مه‌ری را که عشق، عطوفت و گرمی را به خانواده می‌بخشد و بقای خانواده را رقم می‌زند، محاسبه کرد؟!

### شیوه‌های محاسبه ارزش افزوده کار خانگی

شیوه‌های محاسبه ارزش افزوده کار خانگی، مبتنی بر سه شیوه اصلی است که هر کدام نیز مشتمل بر انواع و روشهای گوناگونی می‌شوند:

**الف) رهیافت نهاد:** آنچه امروزه به عنوان رهیافت نهاد برای ارزش‌گذاری کار و تولید خانگی استفاده می‌شود، نخستین بار در نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ معرفی شده است. این رهیافت برای ارزش‌گذاری کالاها و خدماتی که قیمت آنها از نظر اقتصادی معنی دار نیستند، استفاده می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به مدیریت نهادهای عمومی، دفاع، آموزش، بهداشت و غیره اشاره کرد. نکته‌ای که این رهیافت بر آن تأکید دارد، اینست که زنان خانه دار و دیگر اعضای خانوار در فرایند تولید خانگی، زمانی را صرف فعالیتهای تولیدی می‌کنند و در قبال آن دستمزدی دریافت نمی‌کنند، در حالی که می‌توانستند این زمان را به هر ترتیب ممکن در بازار کار سپری کرده، دستمزد دریافت کنند. مولفه‌های اصلی این رهیافت عبارتند از معیار «شخص ثالث»، «بررسی گذران وقت»، «دستمزدها» و برآورد «ارزش دیگر نهاده‌ها» که با استفاده از آنها می‌توان به روش‌های گوناگونی برای سنجش کار خانگی دست پیدا کرد.

ب) **نظریه و رهیافت ستانده:** برخی از اقتصاد دانان برای نشان دادن این حقیقت که نقش اقتصادی تولید خانگی برابر با ارزش ستانده خانوار است و نه ارزش زمان سپری شده در آن (راهبرد رهیافت نهاده)، بر ارزش گذاری ستانده خانگی با ضرب مقادیر فیزیکی ستانده خانگی در قیمت معادل بازاری، تأکید می‌کنند که این ستانده‌ها رکن اصلی رهیافت ستانده هستند. از جمله این ستانده‌ها عبارتند از: ستانده تأمین مسکن، تأمین حمل و نقل، تأمین غذا، تأمین لباس و خدمات شست و شو، تأمین مراقبت از کودکان، تأمین مراقبت از بزرگسالان و کار داوطلبانه.

ج) **نظریه و رهیافت هزینه فرصت:** بر اساس این رهیافت هر خانوار دارای یک تابع تولید خانگی است که این تولیدات تابعی از کالاهای خریداری شده از بازار (به عنوان کالای واسطه ای) و زمان سپری شده در فعالیت‌های خانگی است. بنابر نظریه بکر (۱۹۶۵)، تولید این کالاها با تابع مطلوبیت هر فرد از خانوار ارتباط مستقیم دارد. گرچه این رهیافت در ابتدا به عنوان بخشی از رهیافت نهاده مطرح بوده است که بعدها از آن مستقل شده است ولی هنوز هم سازمان‌های بین المللی از این روش برای اندازه گیری تولید خانگی استفاده نمی‌کنند و تنها آن را برای مطالعه پیشینه سازی مطلوبیت در سطح تصمیم سازی خرد به کار می‌برند.

بهر حال طی سالهای اخیر، برآورد ارزش تولید خانگی از حیثه برآورد دانشگاهی به حیثه ملی منتقل شده و در بسیاری از کشورها کم کم به عنوان جزئی لاینفک از حساب‌های ملی و یکی از مهمترین ابزارهای برنامه‌ریزی برای بزرگ‌ترین کنشگر اقتصادی جامعه، یعنی خانوار، مبدل خواهد شد.

در پژوهش انجام شده درباره زنان خانه دار تهرانی در سال ۱۳۸۹ میزان ارزش افزوده ایجاد شده آنان در جهت نقش و سهم در اقتصاد ملی و تولید ناخالص ملی ۶۴۰ هزار تومان در ماه برآورد شده است (باقری، ۱۳۹۱، ۹۸). گرچه این رقم میانگین بوده و تابع متغیرهایی همچون تعداد فرزندان، میزان تحصیلات زنان، محل سکونت و بسیاری از عوامل دیگر می‌شود؛ لیکن این رقم را در کشورهای صنعتی بین ۲۵ تا ۴۵ درصد تولید ناخالص ملی تخمین زده‌اند (Goldschmit, 2000, 49).

با این وجود گفته شده که در نظام حقوقی ایران درباره درآمدهایی که زن در نتیجه اشتغال به دست آورده و آنها را صرف هزینه‌های زندگی مشترک می‌کند، مقررات ویژه‌ای وجود ندارد. به همین دلیل مسائل و اختلافاتی که از این ناحیه به وجود می‌آید، مطابق قواعد عام قانون مدنی حل و فصل می‌شود که ممکن است در عمل حقوق زوجه را آنچنان که باید تأمین ننماید. هر چند در مورد زحماتی که زن در انجام کارهای مربوط به خانه داری و تربیت فرزندان متحمل می‌شود، مقررات خاصی تحت عنوان «پرداخت اجرة المثل برای کارهای زن در خانه» وجود دارد،

ولی برای درآمدهای حاصل از اشتغال زنان، که صرف هزینه‌های زندگی مشترک شده است، باید عوض مناسبی در نظر گرفته شود. در برخی کشورها و از جمله انگلستان، یک سوم درآمدهای مشترک زوجین و یک سوم دارایی‌های بزرگ که مورد استفاده زوجین قرار داشته است (از جمله خانه) پس از انحلال به زوجه اختصاص می‌یابد (خورم‌مهرنهند، ۱۳۷۳، ۱).

به همین جهت به نظر می‌رسد دلیل عمده‌ای که قانون‌گذار در ایران در دهه‌های اخیر مقرر نمود برخی شروط ضمن عقد در عقد نامه ازدواج مکتوب گردد، از جمله «حق زوجه بر نیمی از دارائی‌های همسر پس از ازدواج» را بتوان در جهت مطالب پیش‌گفته توجیه نمود

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه بیان می‌کند که خانه داری زنان نه تنها شغل محسوب می‌شود بلکه به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیرات فراوانی بر خانواده دارد و جزء مشاغل مفید، کارآمد و با ارزش جامعه محسوب می‌شود. با در نظر گرفتن تحقیق مورد اشاره در مقاله درخصوص محاسبه ارزش ریالی این شغل و با عنایت به متوسط نرخ تورم (۱۳۸۹-۱۳۹۷) می‌توان گفت بدون در نظر گرفتن ارزش‌های معنوی این کار و تأثیرات مستقیم آن در رشد کودکان خانواده، میانگین ارزش ریالی این کار ماهانه نزدیک به ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال در خانوار قابل محاسبه است که البته در خانوارهای مختلف ایرانی متفاوت است.

## منابع

- افشاری، زهرا. ۱۳۸۰. اقتصاد خانواده. تهران. دانشگاه الزهرا
- باقری، شهلا. ۱۳۹۱. ارزش اقتصادی - اجتماعی کار خانه‌داری (نظریه‌ها، مدل‌ها و بررسی‌های تجربی). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- باقری، شهلا. ۱۳۸۶. زن، دین، جامعه (تحلیل جامعه‌شناختی از مسائل زنان و خانواده). انتشارات پیام محراب.
- بانک مرکزی. ۱۳۸۵. بررسی بودجه خانوار.
- خورمهر نهند، کاظم. ۱۳۷۳. وضعیت حقوقی دارایی زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن در حقوق انگلیس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه تربیت مدرس
- Goldschmidt, Clermont, I. 2000. Household production and income: Some Preliminary issues. Bulletin of labour Statistics. International Labour Office.

